

# THE POEM OF SCHOOL!!!!

Mohsen Amini

شد به پا یک مدرسه در اصفهان  
در همان شهری که بد نصف جهان

There was a school in Isfahan  
In that city which is called “Half of  
the world”

Pointing to Persian proverb "Esfahān nesf-e- jahān ast" (Isfahan is half of the world)

از فرایبورگ آمده تیمی بزرگ  
شامل چندین فیزیکدان سترگ

- We have great physicists from Freiburg in terms of a large group.

زنگ اول گشت و رکنی زاده گفت  
باید از این مدرسه یک توشه جست

At first talk, Roknizadeh recommended  
us:

“We should learn at this school many  
things”

باید اینجا ایده‌ای مطرح نمود  
تا به آرامی کنی با آن صعود

We should discuss an idea here,  
then we can make it perfect step by  
step

آمد آقای صلواتی سپس  
گفت می خواهم بگویم یک نفس  
ای فرایبورگ عزیز ای اصفهان  
شد مبارک بی کران پیوندتان

After that, Mr. Salavati talked.

He told, “I want to say quickly”

Dear Freiburg and Isfahan!

congratulations your partnership very  
much

بعد از آن آمد فرانک از راه دور  
کاو سخنرانی کند خیلی صبور

After that, Frank arrived from faraway.  
A person who can talk very slowly.

قصه می گوید ز دنیای عمل  
قصه اش شیرین به مانند عسل

He tells us about the experiments.

His story tastes like honey!



کاربردی می کند او علم را  
می ستایم در وجودش حلم را

I admire his tolerance in employing the  
science in applications.

نوبت تو ماس می گردد کنون  
تا برد ذهن شما را تا جنون

It is now, Thoms turn.

He can involved your mined up to “mad”!

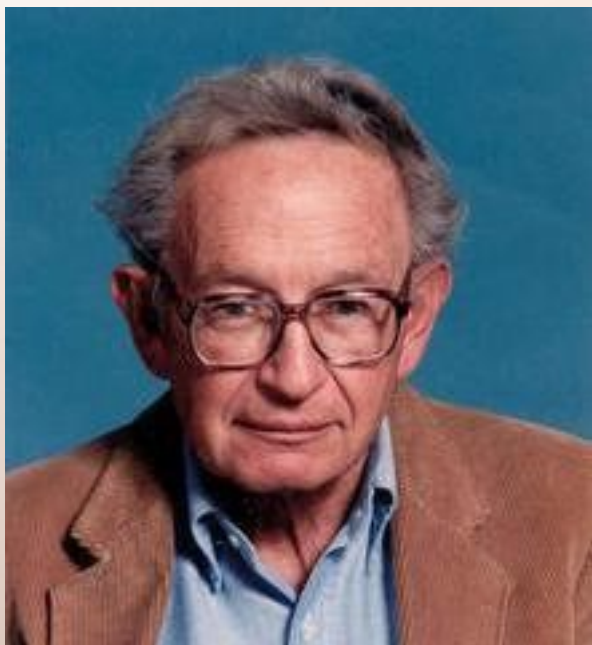
می کند آغاز او بحث گراف  
می زند قلب ریاضی را شکاف

He starts with Graph theory.

Then he will do a surgery on your  
mathematics!

بحث دینامیک را وا می کند  
راز این ماتریس افشا می کند

He describes the dynamics problem,  
introducing the adjacency matrix.



گر شوند رندم چه غوغا می شود  
چهره‌ی فیلیپ پیدا می شود

If we have a random matrix, it can be  
very interesting

It can show us Philip Anderson face!

بعد از او مالک به میدان می رود  
آبروی تیممان را می خرد

After that Malek goes to the stage.  
He is our group Representative.

می کند بحث از کاواکی پر فوتون  
بعد از آتش می رسد یک اکسیتون

مارکوف و نان-مارکوفی بی فاصله  
می کند شعر مرا بی حافظه

He will discuss a cavity of photons.

Then some thing about excitons!

Then Markoff and non-Markoff process.

This makes my poem memoryless!

صبح فردا، آندریاس کبیر  
چست و چابک، پر انرژی مثل شیر

Tomorrow morning, great Andreas,  
who is very active, creative, and  
energetic like a “lion”.



آمد و کج فهمی ام جا روب شد  
صفحه ی ذهم پر از آشوب شد

He came to the stage and made my  
mind clear.

I found that I have chaotic mind!

عاشق زلف افام او می شوم  
از پیش این سو و آن سو می دوم

I am going to fall in love with this “FMO”  
Since this, I am running and following him around.

وارد بیو شود او ناگهان  
می کند راز ترا بردش عیان

He started the biology suddenly, and  
he told us about his efficiency  
transport.

مطمئنم فاز تو تغییر کرد  
فکرت اندر این مباحث گیر کرد

I am sure you experienced a phase transition!

Now your mind is localized here!

نوبت بعدی اسندرف عزیز  
می شود در بحث نانو ریز ریز

Next speaker is dear Issendorff!  
He will focus on Nano-scale  
physics.

از کلاسترها سخن گوید عجیب  
او که آرام است چون مردی شکیب

He talks about clusters interestingly.  
He has a very patient character.

از خواص خوشه‌های نقره‌ای  
در شگفتی؟! ظاهراً جا خورده‌ای

- (To the Audience)

Are you surprised by the properties of  
silver clusters?!

Apparently!

اوج مبحث بی گمان آید حصول  
با پلات خوشگل جهانشمول!

The very exciting part of his talk is  
the plot of the beautiful universal  
behavior!



زنگ بعدی مردی از یوروپین  
او که معروف است با کیریستین  
می برد بالا انرژی را زیاد  
می کند ابعاد عالم را گشاد

Next session, Christian, a gentleman from Europe, will increase the energy scale too much and start to inflate the universe.

از فیزیک ذره تا کیهان، بدان  
رد پای هیگز می‌گردد عیان

From particle physics to astronomy  
Higgs plays a rule, be aware!

صبح جمعہ فرد غایب بندہ ام  
از جناب حیدری شرمندہ ام

Mr. Heydari, Friday morning I am  
absent, I am sorry for this!

هاینز- پیتر زنگ بعدی بر فراز  
لاجرم سامانه‌اش را کرده باز

Next session Heinz-Peter, on the stage, had to open his system.

He had some quantum map, but I am tired, sorry!

هاینز- پیتر زنگ بعدی بر فراز  
لاجرم سامانه‌اش را کرده باز

Next session Heinz-Peter, on the stage, had to open his system.

He had some quantum man but I am tired, sorry!

نقشه‌ای کوانتومی آورده است  
لیکن اما ذهن محسن خسته‌است

مدرسه آخر شد و گویم شدید  
شعر محسن هم به پایانش رسید

Juliane! Sorry I was busy when you were talking.

We reached the end of school, I  
strongly say that this the end of  
Mohsen's poem too.